

راهنمای والدین در مشکلات یادگیری

(چگونه به فرزندتان کمک کنید)

تألیف

پیتر وستوود

ترجمه

احمد رضا بیات

حبیب امانی

محبوبه بیات



<p>سرشناسه: وست وود پیتر اس، ۱۹۳۶ م - Westwood, Peter S عنوان و نام‌پدیدآور: راهنمای والدین در مشکلات یادگیری: چگونه به فرزندتان کمک کنید / تألیف پیتر وست وود؛ مترجم: احمدرضا بیات، حبیب امانی، محبوبه بیات. مشخصات نشر: تهران، کتاب ارجمند، ۱۳۹۱ مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص. رقی شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۲۳۰-۳ وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا یادداشت: عنوان اصلی: A parent's guide to learning difficulties: how to help your child, 2008. موضوع: کودکان ناتوان در یادگیری - آموزش - دستنامه‌ها، آموختن - اختلالات - دستنامه‌ها، آموزش و پرورش - مشارکت والدین - دستنامه‌ها شناسه افزوده: بیات، احمدرضا، ۱۳۵۳ - مترجم، امانی، حبیب، ۱۳۵۹ - مترجم، بیات، محبوبه، ۱۳۵۸ - مترجم. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۵۲/۷ LC۴۷۰/ رده‌بندی دیویی: ۳۷۱/۹۰۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۲۳۴۸</p>	<p>پیتر وست وود راهنمای والدین در مشکلات یادگیری (چگونه به فرزندتان کمک کنید) ترجمه: احمدرضا بیات، حبیب امانی، محبوبه بیات. فروست: ۷۵۵ ناشر: انتشارات کتاب ارجمند صفحه‌آرا: آیدا روستا طراح جلد: احسان ارجمند چاپ: سامان، صحافی: روش‌نک چاپ اول، فروردین ۱۳۹۲، ۱۱۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۲۳۰-۳ www.arjmandpub.com این اثر، مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف، ناشر، نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.</p>
--	--

مرکز پخش: انتشارات ارجمند

دفتر مرکزی: تهران بلوار کشاورز، بین خ کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲، تلفن ۸۸۹۷۷۰۰۲
 شعبه اصفهان: خیابان چهارباغ بالا، پاساژ هزارجریب، تلفن ۰۳۱۱-۶۲۸۱۵۷۴
 شعبه مشهد: ابتدای احمدآباد، پاساژ امیر، انتشارات مجد دانش، تلفن ۰۵۱۱-۸۴۴۱۰۱۶
 شعبه بابل: خ گنج افروز، پاساژ گنج افروز، تلفن ۰۱۱۱-۲۲۲۷۷۶۴
 شعبه رشت: خ نامجو، روبروی ورزشگاه عضدی، تلفن ۰۱۳۱-۳۲۳۲۸۷۶
 شعبه ساری: بیمارستان امام، روبروی ریاست تلفن ۰۹۱۱۸۰۲۰۰۹۰

بها: ۶۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

مقدمه

پیشگفتار مؤلف

آزمون

۱۳	فصل ۱.....
۱۳	اعتراف.....
۱۳	دوره ابتدایی من
۱۵	تغییر سرنوشت من
۱۷	لطفاً برچسب نزنید
۱۹	فصل ۲.....
۱۹	علل خارجی (محیطی) مرتبط با مشکل یادگیری.....
۲۰	برنامه درسی مدرسه
۲۱	برنامه درسی مدرسه به عنوان منبع مشکل یادگیری
۲۳	روش تدریس به عنوان منبع مشکل
۳۲	فصل ۳.....
۳۲	علل مرتبط با کودک.....
۳۳	نگرش منفی یا حالات عاطفی دردناک
۳۴	غیبت مکرر از مدرسه
۳۴	رویکرد ناکارآمد کودک نسبت به یادگیری
۳۵	ناتوانی ویژه یادگیری
۳۹	اختلال نقص توجه (بیش فعالی)
۴۳	فصل ۴.....
۴۳	ناتوانی (معلولیت) ذهنی و اوتیسم.....
۴۴	انتخاب مدرسه - معضلی برای والدین
۴۶	کودکان مبتلا به ناتوانی ذهنی
۵۲	کودکان مبتلا به اوتیسم
۵۸	فصل ۵.....
۵۸	آسیب بینایی، آسیب شنوایی، ناتوانی جسمی.....
۵۸	کودکان آسیب دیده بینایی

۶۲ کودکان آسیب دیده شنوایی
۶۸ کودکان مبتلا به ناتوانی‌های جسمی
۶۹ حیطة‌های مشکل
۷۱ حیطة‌های درگیر
۷۱ حیطة‌های درگیر
۷۳ نکات کلیدی برای والدین
۷۴ فصل ۶
۷۴ اصول کلی آموزش مؤثر
۷۵ از ارائه شفاف اطمینان حاصل نمایید
۷۷ درک و فهم کودک را بررسی کنید
۷۷ تمرین هدایت شده
۷۸ بازخورد و تصحیح خطا
۷۸ حذف تدریجی حمایت
۷۹ کاربرد و تمرین مستقل
۷۹ تجدیدنظر
۸۰ نقش اساسی تمرین - تسلط، ابقا و خودکاری
۸۱ پرسیدن
۸۲ تقویت
۸۳ بازآموزی اسنادها یا علل مرتبط با مشکل
۸۵ آموزش راهبرد
۸۶ تدریس خصوصی در محیط منزل
۸۹ فصل ۷
۸۹ یادگیری خواندن:
۸۹ مراحل اولیه
۸۹ اهمیت خواندن
۸۹ تفاوت خواننده‌های خوب و خواننده‌های ضعیف
۹۰ چه دانشی برای یادگیری خواندن ضروری است؟
۹۲ تشخیص کلمه
۹۳ رشد واژگان دیداری
۹۶ آموزش مهارت‌های آوایی
۱۰۲ فصل ۸
۱۰۲ پیشرفت در خواندن
۱۰۲ انتخاب مواد (متون) خواندنی مناسب

۱۰۳	گوش دادن به نحوه خواندن کودکان
۱۰۴	توسعه مهارت روان خوانی
۱۰۵	درک مطلب
۱۰۶	مشکلات مرتبط با درک مطلب
۱۰۶	بهبود درک مطلب
۱۰۹	روش جای خالی
۱۱۰	اصلاح خواندن در کودکان دارای مشکلات یادگیری
۱۱۲	نکات کلیدی برای والدین
۱۱۳	فصل ۹
۱۱۳	مشکلات در نوشتن و املا
۱۱۳	نوشتن
۱۲۰	املا
۱۳۲	فصل ۱۰
۱۳۲	مشکلات در ریاضیات پایه
۱۳۵	حیطه‌های مشکل
۱۳۷	رویکردهای تدریس
۱۴۱	توسعه راهکارهای حل مسأله
۱۴۶	پیوست‌ها
۱۴۶	پیوست الف
۱۴۸	پیوست ب
۱۵۰	پیوست ج
۱۵۲	جواب آزمون
۱۵۹	واژه‌نامه
۱۶۴	منابع

مقدمه

مجموعه حاضر کتابی است جامع که با هدف ارائه اطلاعات و راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری و کمک به افزایش آگاهی والدین و آموزگاران عزیز ترجمه شده است. این کتاب دارای محتوایی ارزنده بر طبق آخرین یافته‌های علمی و تجربی در رابطه با نحوه برخورد با مشکلات یادگیری کودکان است که به شیوه‌ای بسیار ساده نگارش یافته، و می‌تواند راهنمایی مفید برای والدین و معلمان عزیزی باشد که تمایل دارند اطلاعاتی در مورد علل ایجاد این مشکلات در کودکان و چگونگی بهبود وضعیت تحصیلی آنان کسب نمایند.

با اینکه مخاطبان اصلی این کتاب والدین هستند، بدون تردید مطالب آن می‌تواند برای همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کودک، معلمان، مربیان و دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی مفید واقع گردد. بدیهی است نقطه نظرات و پیشنهادات اساتید، همکاران و دانشجویان عزیز راهنمایی ارزنده برای ارائه تحفه‌ای بهتر در آینده خواهد بود.

احمدرضا بیات، حبیب امانی، محبوبه بیات

زمستان ۱۳۹۱

پیشگفتار مؤلف

این کتاب برای والدینی نوشته شده است که می‌خواهند دربارهٔ مشکلات یادگیری که برخی از کودکان آن را تجربه می‌کنند، بیشتر بدانند. اغلب والدین می‌خواهند بدانند که چرا کودک آنها مشکلات یادگیری دارد و چگونه می‌توانند به بهبود این وضعیت کمک کنند. توصیه‌ای که من اینجا می‌کنم نه فقط بر اساس تجارب عملی است که سال‌ها به‌عنوان یک معلم کسب کرده‌ام، بلکه بر اساس دانسته‌هایم از تحقیقات اخیر در ارتباط با آموزش و یادگیری اثر بخش است.

اصطلاح «مشکل در یادگیری» که در این کتاب استفاده می‌شود به‌طور کلی به تمام مشکلات پایداری اشاره می‌کند که ممکن است یک کودک، نوجوان یا بزرگسال با هر سطح از توانایی در هنگام فراگیری یک مطلب یا مهارت داشته باشد. برای مثال، یک کودک کم‌سال ممکن است در یادگیری خواندن مشکل داشته باشد، یا یک کودک بزرگ‌تر ممکن است در یادگیری املا یا دقت یا در انجام محاسبات خاص در ریاضیات مشکل داشته باشد. به‌طور کلی هر کودک می‌تواند یک مشکل یادگیری را در برخی مواقع تجربه کند.

با اینکه اینجا توجه عمده بر روی کودکان معمولی در مدارس عادی است ولی اطلاعات مقدماتی در رابطه با کودکان دارای ناتوانی‌های مختلف را نیز شامل می‌شود. بسیاری از این کودکان در حال حاضر در مدارس عادی حضور دارند و بنابراین به یک آموزش اثربخش در زبان، خواندن و نوشتن و ریاضیات نیاز دارند که مشابه نیاز آموزشی سایر کودکان است. بحث من در اینجا این است که شیوه‌های آموزشی مورد نیاز برای کودکان دارای ناتوانی با شیوه‌های اثربخشی که باید در همه جا برای تمام کودکان استفاده گردد، تفاوت خیلی محسوسی ندارد. ویژگی‌های آموزش مؤثر به‌طور کامل در فصل ۶ توضیح داده خواهد شد. از آنجا که اصلاح روش‌ها در برخی دانش‌آموزان خاص مورد نیاز است من آن تغییرات را نیز توضیح داده‌ام. امیدوارم مطالبی که فراهم نموده‌ام ارزش کاربردی برای تمام والدین داشته باشد.

از خانم کارولین گلاسکودین به سبب کار فوق‌العاده ایشان در ویرایش این کتاب صمیمانه تشکر می‌کنم. همواره از کارکنان صمیمی، مفید و با کفایت نشر ACER سپاس فراوان دارم.

پیتر وست‌وود

آزمون

قبل از اینکه شروع به خواندن کتاب کنید، سعی کنید به سؤالات این آزمون پاسخ دهید:

۱. مشکلات یادگیری در کودکان همواره به علت یک ناتوانی در یادگیری است.

صحیح / غلط

۲. کودکان به طور طبیعی در خواندن کتاب‌های درسی مدرسه تنبل هستند.

صحیح / غلط

۳. تمام کودکان دارای مشکلات یادگیری باید به‌عنوان افراد دارای اختلال در خواندن محسوب شوند.

صحیح / غلط

۴. کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح است؟

برای کمک به کودک جهت غلبه بر مشکلات یادگیری در زمینه خواندن، املا یا ریاضیات باید:

- او را در خانه تشویق و حمایت کنم
- به کودک فشار بیاورم تا سخت‌تر تلاش کند
- هر روز عصر زمان انجام تکلیف را بیشتر کنم تا وقتی که پیشرفت حاصل شود
- برای به‌چالش کشیدن کودکم، برایش کتاب‌ها یا مسأله‌های ریاضی سخت‌تری تهیه کنم
- به کودک نشان دهید که تا چه اندازه از مشکلات او ناراحت هستید
- به تکالیف مدرسه او علاقه نشان دهید
- یک معلم خصوصی برای آموزش بعد از مدرسه استخدام کنید
- از مدرسه بخواهید که کودک‌تان را توسط یک روانشناس ارزیابی کند
- خودتان کودک را نزد روانشناس ببرید
- کودک‌تان را نزد پزشک خانوادگی‌تان ببرید
- امتیازاتی مانند تماشای تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای را تا هنگامی که

- پیشرفت تحصیلی ایجاد نشود، حذف کنید
- در مواقعی که گزارش‌های مدرسه بهتر می‌شوند، جوایزی را برای کودک در نظر بگیرید
 - تمام نکات بالا صحیح است
۵. «خودکاری» یک مفهوم مهم در روانشناسی یادگیری است. معنی این اصطلاح چیست؟
۶. «انگیزش» یک مفهوم مهم دیگر است. معنی این اصطلاح چیست؛ چگونه انگیزش بر یادگیری تأثیر می‌گذارد؟
۷. ضرورت ندارد که کودکان جدول ضرب و سایر عمل‌های اصلی را به‌خاطر بسپارند چون می‌توانند از ماشین حساب جیبی استفاده کنند.
صحیح / غلط
۸. یادگیری ارتباط میان حروف و صداها نشان دهنده یک گام مهم در یادگیری خواندن و نوشتن است.
صحیح / غلط
۹. آیا تاکنون در یادگیری مطالب جدید دچار زحمت شده‌اید؟ اگر چنین است با این مشکل چگونه برخورد کرده‌اید؟
۱۰. برنامه‌های رایانه‌ای می‌توانند در بهبود مهارت‌های اولیه خواندن، نوشتن و اعداد در کودکان مفید باشند. آیا موافق هستید؟ چرا؟

پاسخ‌های تان را در صفحه ۱۵۲ مقایسه کنید

فصل ۱

اعتراف

علاقه‌مندی من در تمام طول زندگی به کودکان دارای مشکلات یادگیری از تجربیات دوران کودکی‌ام نشأت می‌گیرد، هنگامی که در سال ۱۹۴۰ در مقطع ابتدایی در انگلستان بودم. در آن زمان مشکلات یادگیری داشتم و نتایج درسی‌ام در هر نوبت به شکل وحشتناکی اعلام می‌شد...: «مأیوس‌کننده»، «می‌تواند بهتر شود»، «در این درس کُند است»، «امیداست که در نوبت بعد شاهد پیشرفت باشیم»....

دوره ابتدایی من

مطمئن هستم، زمانی که ۱۰ ساله بودم تمام روانشناسان تربیتی که دستمزد بالایی داشتند، می‌توانستند به من برچسب «ناتوان یادگیری» و «اختلال رفتاری» زده باشند. مهارت‌های من در ریاضیات بسیار بد و توانایی خواندنم بسیار پایین‌تر از حد معمول بود. املاي من بسیار وحشتناک بود و دست‌خط نامرتب و نگارش ضعیفی داشتم. یک دلیل واضح از رفتارهای غیرقابل قبول من، این بود که در سن ۱۱ سالگی از مدرسه خصوصی کوچکی که ۵ سال در آنجا بودم، اخراج شدم. معلمان آن مدرسه من را با عنوان «سرکش»، «سردسته جنایتکاران» و «یک آشوبگر» توصیف می‌کردند. مطمئناً از کنترل دو خانم مسن که یک مدرسه کوچک را اداره می‌کردند، خارج بودم. متأسفانه اخراج من درست قبل از اینکه امتحانات گزینشی بالای ۱۱ سال را بدهم، اتفاق افتاد- در آن زمان در انگلستان این امتحانات برای تعیین مقطع بعدی بود، اینکه دانش‌آموز در یک مدرسه ابتدایی (با شرایط بسیار مطلوب) قرار گیرد و یا اینکه در یک دبیرستان نوین (با شرایط غیرمطلوب).

به‌راستی طبیعی بود که والدینم سال‌ها نگران پیشرفتِ ضعیفِ من در مدرسه بودند. اما این موضوع همزمان با سال‌های جنگ در انگلستان بود و والدینم با موضوعات بسیار جدی و تنش‌زای دیگری هم درگیر بودند. پدرم اغلبِ مواقع خارج از خانه بود و در ارتش خدمت می‌کرد، اما به‌خاطر دارم مواقعی که برای مرخصی در خانه بود، کتاب‌های تمرین را می‌آورد و تکالیف مدرسه را با من مرور می‌کرد. فکر می‌کنم پدرم به‌خاطر کار نوشتاری ضعیف من بسیار ناراحت بود، او هجی کردن کلمات را با صدای بلند و سپس نوشتن آن کلمات را چندین بار با من تمرین می‌کرد. از آنجا که پدرم به‌ندرت در خانه حضور داشت، این جلسات اضافی کوتاه که او به من آموزش می‌داد، بسیار کم بودند و تأثیر مفیدی نداشتند، زمانی که پدرم از خانه دور بود مادرم هرگز اینگونه کارها را با من انجام نمی‌داد. روش او طوری بود که در آخر منجر به عصبانیت من می‌شد. اصولاً علاقه‌ای به پیشرفت نداشتیم. این حقیقت که در مدرسه خوب نبودم، حتی کمترین ناراحتی هم برایم ایجاد نمی‌کرد. بسیار دوست داشتم که در خیابان‌ها پرسه بزنم و شیطنت کنم.

به‌خاطر اخراج از مدرسه ابتدایی، در یک مدرسه مختلط ایالتی ثبت‌نام کردم تا سال آخر از آموزش ابتدایی‌ام را به پایان برسانم. در یک کلاس خیلی بزرگ با حدود ۳۵ دانش‌آموز یا بیشتر حضور داشتم. این موضوع قبل از روزهایی بود که دانش‌آموزان با یکدیگر در گروه‌های کاری می‌نشستند، در آن زمان ما دوتا دوتا روی نیمکت‌های دو نفره که به‌صورت رسمی در ردیف‌هایی روبروی تابلو چیده شده بودند، می‌نشستیم. خاطرم هست که در کنار پسری بنام کیت^۱ می‌نشستم، کسی که بعداً موفق شد به من نحوه محاسبه تقسیم‌های طولانی را آموزش دهد (چیزهایی که من نتوانسته بودم در ۶ سال گذشته یاد بگیرم). برای اولین بار از شروع مدرسه، یک معلم مرد به من آموزش داد. او یک بازیکن راگبی بنام مروین جونز^۲ بود. با اینکه در آن زمان جنگ تمام شده بود، فکر می‌کنم هنوز مدارس، کمبود زیادی در معلمان مرد داشتند زیرا تعداد

1. Keith
2. Mervyn Jones

زیادی از آن‌ها از جنگ برنگشته بودند.

تغییر سرنوشت من

وجود مروین جونز به عنوان معلم، نقطه عطف بزرگی در دوره تحصیلی‌ام بود. او مردی بسیار راسخ اما مهربان بود و از روش‌های آموزشی‌ای که انگیزه تمام بچه‌ها را برای یادگیری تحریک می‌کرد استفاده می‌کرد. به ویژه او به‌طور مکرر از روش‌هایی استفاده می‌کرد که امروزه تحت عنوان «یادگیری مبتنی بر طرح تحقیقاتی»^۱ از آنها یاد می‌شود و کلاس‌ها را به صورت گردش‌های علمی در مزرعه‌های محلی، دفاتر شورا، یک مرکز خرید، ایستگاه راه‌آهن و مکان‌های جالب دیگر برگزار می‌کرد. ما اطلاعات را جمع‌آوری می‌کردیم، با افراد مرتبط مصاحبه می‌کردیم، عکس‌هایی می‌کشیدیم و هر مطلب کتبی مانند جزوه، جدول زمان‌بندی، لیست قیمت‌ها و مانند آن را با خود به مدرسه می‌آوردیم. سپس این منابع به همراه یادداشت‌ها و عکس‌های مان به عنوان مبنایی برای بسیاری از فعالیت‌های مختلف کلاسی مانند ریاضیات، خواندن، نوشتن، صحبت کردن و گوش دادن مورد استفاده قرار می‌گرفت. در سال‌های گذشته مدرسه، من هرگز شانس شرکت در چنین فعالیت‌هایی را نداشتم و این تجربه، تأثیر بسیار زیادی بر من گذاشت. در حقیقت پس از گذشت ۶۰ سال من هنوز می‌توانم جزئیات بازدید از مزرعه و گردش علمی در ایستگاه راه‌آهن را به روشنی به خاطر بیاورم. از آقای جونز متشکرم زیرا نگرش من را در رابطه با یادگیری کاملاً بهبود یافته است.

اما آقای جونز تنها بر روی روش‌های فعال تکیه نداشت. او همچنین در آموزش اطلاعات جدید و پرورش مهارت‌های تازه به بچه‌های کلاس بسیار مهارت داشت. او مطالب را پای تابلو بسیار واضح توضیح و نشان می‌داد و هنگامی که ما بر روی میزهای مان مشغول انجام تکلیف بودیم شروع به چرخیدن در میان ما می‌کرد تا کنترل کند که ما در حال انجام چه کاری هستیم

1. project-based learning

و تا به صورت انفرادی به ما کمک کند. وقتی متوجه می‌شد که یک نفر مطلبی را نفهمیده است اغلب از دانش‌آموزی که کنار او می‌نشست درخواست می‌کرد که مطلب را دوباره توضیح دهد. این همان روشی است که کیت^۱ توانست انجام تقسیم‌های طولانی را به من یاد دهد. چند سال بعد، وقتی من با تحقیقی تحت عنوان «کارآمدی معلم»^۲ برخورد کردم، متوجه شدم که آقای جونز تمام مهارت‌های آموزشی که یک معلم را تبدیل به فردی مؤثر می‌کرد را در خود جای داده بود. من خود را بسیار مدیون ایشان می‌دانم.

آقای جونز انگیزه من را برای یادگیری احیا کرد. با این حال هنوز مشکلات قابل توجهی در خواندن، نوشتن، املا و ریاضیات داشتیم. زیرا در سال‌های گذشته بسیار عقب افتاده بودم. من در امتحانات گزینشی بالای ۱۱ سال رد شدم (جای تعجب نداشت) اما پدرم من را در یک کمیته آموزشی^۳ ثبت‌نام کرد و خواهش کرد که برای حضور در جلسه امتحان یک شانس دیگر به من بدهند. فکر می‌کنم بهانه پدرم این بود که آموزش من به واسطه دلایلی مانند جنگ و اینکه در سال آخر از یک مدرسه به مدرسه دیگری تغییر مکان داده بودم به شدت مختل شده بود. نتیجه این شد که یک شانس دوم برای شرکت در امتحان به من داده شد که این بار موفق شدم و توانستم به جای دبیرستان نوین در دبیرستان کالتن کانتی^۴ ثبت نام کنم.

از وقتی که در دبیرستان مقیم شده بودم نتایج در هر نوبت نشان داد که نمراتم به طور مداوم بهتر می‌شد تا جایی که حتی در برخی از درس‌ها جزء سه دانش‌آموز برتر بودم. به طور خیلی عجیب، علی‌رغم ضعف شدیدی که در دوران ابتدایی در خواندن و نوشتن داشتم، سرانجام موفق شدم جایزه «بهترین دانش‌آموز موفق» را در زبان انگلیسی به خاطر نتیجه امتحاناتم در کارنامه عمومی آموزش‌های متوسطه کسب کنم. حتی شگفتی بیشتر این بود که توانستم امتحان ریاضیات را با موفقیت پشت سر بگذارم. فکر می‌کنم پیشرفت

1. Keith
2. teacher effectiveness
3. Essex Education Committee
4. Clacton County

من به این خاطر بود که اولاً در آن مدرسه ابتدایی تحت آموزش‌های عالی معلمین بسیار توانمند قرار داشتم و دوم اینکه علی‌رغم وضعیت تحصیلی ضعیفم در دوران ابتدایی، فاقد هوش و توانایی نبودم. در حقیقت من ناتوانی یادگیری نداشتم، بلکه هنگام تحصیل در مدرسه ابتدایی در رفتار و انگیزه مشکل داشتم.

لطفاً برچسب نزنید

شاید مهمترین چیز برای من این بود که هرگز به واسطه یادگیری ضعیفم در مدرسه برچسب اختلال در خواندن یا هر برچسب دیگری به من زده نشد. اگر برچسب خاصی به من زده می‌شد، مطمئن هستم که با خوشحالی آن را می‌پذیرفتم و این بهانه‌ای می‌شد تا خودم را پشت آن پنهان کنم. پیشرفت ضعیف من در مدرسه کاملاً به خاطر عواملی مانند - آشفته‌گی خانوادگی به خاطر جنگ، فقدان پدرم به دلیل حضور در ارتش، کیفیت پایین آموزش در سال‌های اولیه، یک برنامه درسی خسته‌کننده و فقدان کامل رغبت و تلاش خودم بود. من بسیار خوش‌شانس بودم که بعدها این فرصت را داشتم تا «چرخه ناکامی» را به عقب برگردانم و در نهایت به برخی از توانایی‌هایم در زندگی دست یابم.

گزارش مدرسه

پسر شما به چیزهای زیادی علاقه دارد. متأسفانه این چیزها حتی کمترین ارتباطی به کاری که ما در این مدرسه انجام می‌دهیم، ندارد.
پیشرفت: رضایت‌بخش نیست. باید تلاش بیشتری انجام شود.

نکات کلیدی برای والدین

- این تاریخچه واقعی دارای چه پیام‌های مهمی است؟ شاید آن پیام‌ها بدین شرح باشند:
- وقتی که یک کودک پیشرفت خوبی در مدرسه ندارد، دلیلی ندارد که سریعاً فرض کنیم که وی دارای یکی از اشکال اختلال یا ناتوانی در یادگیری است.
- اگر کودکی واقعاً به انجام کارهای ارائه شده در مدرسه علاقه نداشته باشد، به

- اندازه کافی برای یادگیری تلاش نخواهد کرد.
- کودکی که در یادگیری موفق نیست، خیلی سریع در درس‌ها از همکلاسی‌های خود عقب می‌ماند.
 - هنگامی که کودکی متوجه شود که نتایج خوبی را بدست نمی‌آورد، معمولاً میزان تلاشی را که صرف یادگیری می‌کند، کاهش می‌دهد. بسیاری از کودکان مبتلا به مشکلات یادگیری در طفره رفتن از انجام کارهایی که در انجام آن مشکل دارند، یا برای آنها رضایت‌بخش نیست بسیار ماهر می‌شوند.
- <
- استفاده از تعابیر منفی توسط معلمین (و شاید توسط والدین) نه تنها برای «تلاش بیشتر» به کودک انگیزه نمی‌دهد؛ بلکه این سرزنش کردن موجب می‌شود که کودک از انجام فعالیت‌های یادگیری در مدرسه و خانه بیزار شود.
 - عدم موفقیت در تکالیف مدرسه باعث می‌شود که کودک رضایت‌مندی را در انجام کارهای دیگر مانند رفتارهای نادرست دنبال کند.
 - کلید حل مشکل یادگیری داشتن یک معلم کارآمد است که علاقه واقعی کودک را فهمیده و آنها را برای یادگیری تحریک کند.
 - در یک محیط یادگیری مناسب و هنگامی که آموزش و حمایت با کیفیت بالا وجود دارد، مطمئناً تمام کودکان می‌توانند یاد بگیرند.

فصل ۲

علل خارجی (محیطی) مرتبط با مشکل یادگیری

به طور کلی دلایل احتمالی زیادی می‌توانند با بروز مشکلات یادگیری در یک کودک مدرسه‌ای مرتبط باشند. اغلب نمی‌توان یک دلیل مشخص را به‌عنوان عامل بروز این مشکلات تعیین کرد زیرا مشکلات یادگیری معمولاً به‌دلیل ترکیبی از عوامل تأثیرگذار مضر ذیل به‌وجود می‌آیند:

- هنگامی که موضوع درسی (محتوای برنامه درسی) بسیار دشوار و بالاتر از سطح ذهنی و یا تجربه کودک باشد
- تدریس ناکافی و نامناسب
- اختصاص وقت بسیار کم برای انجام دادن تمرین
- حواس‌پرتی و عدم تمرکز کودک در محیط یادگیری
- وجود نگرش منفی و یا حالت عاطفی دردناک در کودک
- رویکرد غیر مؤثر کودک نسبت به یادگیری
- غیبت‌های مکرر از مدرسه
- عدم حمایت کودک از سوی خانه
- مشکل یادگیری ممکن است با یک مشکل شنوایی یا بینایی همراه باشد که البته زیاد شایع نیست.
- به‌ندرت این امکان نیز وجود دارد که کودک به یک ناتوانی ویژه یادگیری مانند مشکل خواندن مبتلا باشد.

برخی از این عوامل ذکر شده به طور مستقیم با کودک در ارتباط بوده و برخی دیگر نیز بخشی از مشکلات کلی محیط یادگیری هستند. از آنجا که عوامل محیطی (مرتبط با مدرسه) شایع‌تر از عوامل فردی بوده و اغلب نیز توسط والدین و معلمان نادیده گرفته می‌شوند، لذا ابتدا با جزئیات بیشتر به شرح این عوامل می‌پردازیم.

برنامه درسی مدرسه

اصطلاح «برنامه درسی» در مدارس، توصیف‌کننده محتوا یا ماهیت موضوع درسی است که به کودکان سن مدرسه آموخته می‌شود. محتوای برنامه درسی شامل اطلاعات ضروری، مفاهیم، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به اعتقاد جامعه باید به کودکان برای به دست آوردن آنها کمک کرد. به طور سنتی، برنامه درسی در مدارس، پیرامون موضوعاتی مانند ریاضیات، جغرافی، زبان انگلیسی، زبان فرانسه، علوم، و غیره سازماندهی می‌شود، هر چند که در پیش دبستانی و برخی از مدارس ابتدایی به جای آموزش جداگانه، این موضوعات کاملاً با یکدیگر ادغام می‌شوند.

به طور کلی محتوای برنامه درسی برای هر مرحله سنی طوری انتخاب می‌شود که مطابق با سطح بلوغ فکری و بر مبنای دانش موجود و تجربه کودکان باشد. این کار موجب جلوگیری از بروز آن دسته از مشکلات یادگیری می‌شود که متعاقب مطرح کردن یک مفهوم خاص که بسیار فراتر از درک کنونی متوسط کودکان آن سن است، ایجاد می‌شوند. برای مثال، ما سعی نمی‌کنیم به کودکان سال اول ضرب کسرها را آموزش دهیم و همچنین آنها را ملزم نمی‌کنیم که نمایشنامه شکسپیر را نقد کنند؛ چنین موضوعاتی در سال‌های بالاتر تحصیلی به طور صحیح به آنان آموزش داده می‌شوند. به عبارت دیگر، محتوای برنامه درسی (موضوع مطالعه) معمولاً طوری سازمان‌دهی می‌شود که مریبان آن را «زنجیره تکاملی» می‌نامند. بدین معنی که به تدریج از مفاهیم و مهارت‌های ساده در سال‌های ابتدایی به موضوعات پیشرفته‌تر در سال‌های بعد پیشرفت می‌کند.

برنامه درسی مدرسه به عنوان منبع مشکل یادگیری

در صورتی که مشکلاتی از قبیل دشوار بودن برنامه درسی، خسته کننده بودن برنامه درسی و عدم پایش پیشرفت تحصیلی دانش آموز توسط معلم وجود داشته باشد، برنامه درسی مدرسه می تواند به منبع ایجاد کننده مشکلات یادگیری تبدیل شود. اجازه دهید، هر یک از این زمینه های بالقوه بروز مشکلات یادگیری را مورد بررسی قرار دهیم.

دشوار بودن برنامه درسی

بنابه برخی از دلایل، یک معلم ممکن است تصمیم بگیرد از توجه به مراحل تکامل فکری کودکان که در طراحی هر برنامه آموزشی خوب گنجانده می شود، چشم پوشی کند و به جای آن اطلاعات، مفاهیم یا اصولی را مطرح نماید که فراتر از سطح درک بعضی از کودکان هستند. همچنین در صورتی که معلم برنامه های آموزشی را بسیار سریع تر از حد معمول پیش ببرد مشکل مشابهی رخ می دهد، چرا که قبل از تسلط یافتن برخی از کودکان به موضوعات و مهارت های قبلی، درس جدید شروع می شود و این مسأله معمولاً زمانی اتفاق می افتد که معلم بی تجربه، ناکارآمد، و یا شاید در حال تدریس موضوعی جدید برای اولین بار باشد.

حتی هنگامی که معلمان همگام با طرح برنامه درسی تدوین شده، کلاس های درسی نسبتاً بزرگ شامل دانش آموزان با توانایی های مختلف را اداره می کنند، تعجب آور نیست که گاهی اوقات به برخی از کودکان تکلیفی داده شود که یا بیش از حد پیچیده و یا بسیار ساده باشد که در هر صورت این شرایط منجر به سرخوردگی و یا عدم درگیری فکری کودک با مطلب درسی می شود. بنابراین اگر خواسته ها و مطالبات معلمان از محتوای برنامه درسی و فعالیت های یادگیری بیش از حد بالا و یا خیلی کم باشد فراگیران ممکن است

از یادگیری دست بکشند.^۱

در شرایط ایده‌آل، محتوای برنامه درسی مدرسه باید به اندازه کافی برای ایجاد انگیزه در کودکان چالش‌انگیز باشد، اما نه آنقدر چالش‌انگیز که باعث شود برخی از کودکان سردرگم و دلسرد شوند. اگر به ناچار موضوع درسی پیچیده باشد معلم باید آن را به مراحل کوچک‌تر تقسیم کند و بادقت بسیار زیاد و مرحله به مرحله موضوع را تدریس کرده و به‌طور مکرر نیز میزان درک دانش‌آموزان را از آن مطلب مورد بررسی قرار دهد. اگر موضوع درسی بیش از حد و خیلی سریع دشوار شود موفقیت به تاخیر می‌افتد.

خسته‌کننده بودن برنامه درسی

در حالت ایده‌آل، کودکان باید واقعاً به آنچه که برای یادگیری نیاز دارند، علاقه مند باشند و موضوع درسی و مهارت را به عنوان یک ارزش درک کنند. حال آنکه به‌طور قطع ممکن است یادگیری برخی موضوعات، مورد علاقه شما نباشد، ولی اگر موضوع واقعاً جالب باشد بسیار آسان‌تر می‌توان دامنه توجه کودک را حفظ کرد و او نیز حداکثر تلاش خود را برای یادگیری مطلب انجام می‌دهد. روانشناسان از این قبیل موضوعات به عنوان موضوعات «ذاتاً محرک» برای یادگیری نام می‌برند. در مقابل، موضوع کسل‌کننده باعث خستگی، و خستگی منجر به بروز رفتار خارج از وظیفه مانند خیالبافی و اتلاف وقت می‌شود. وقتی کودک توجه خود را از دست داده است با گذشت زمان نیز هیچ یادگیری مفیدی رخ نمی‌دهد و مشکلات یادگیری کودک با این موضوع شروع می‌شود.

البته درست است که همه محتوای برنامه درسی نمی‌تواند به‌طور ذاتی محرک یا مهیج باشد. به عنوان مثال، تمرین جمع و فرایندهای تفریق در حساب که به منظور افزایش سرعت عمل و دقت کودکان تدریس می‌شوند،

1. Paas, F., Renkl, A., & Sweller, J. (2004). Cognitive load theory: instructional implications of the interaction between information structures and cognitive architecture. *Instructional Science*, 32, 1-8.

لزوماً خیلی جالب توجه نیستند. در چنین مواردی ممکن است لازم باشد برای مطرح کردن چنین موضوعاتی، شیوه‌های جدید آموزشی از طریق به‌کارگیری بازی‌ها، فعالیت‌ها و یا نرم افزار رایانه‌ای را مورد استفاده قرار داد. همچنین ممکن است گاهی برای درگیر کردن مشتاقانه کودک با موضوع درسی نیاز باشد از پاداش و تحسین نیز استفاده کنیم.

عدم پایش دقیق پیشرفت تحصیلی کودک

بررسی منظم میزان یادگیری کودکان یکی از جنبه‌های مهم برنامه درسی است که معمولاً از طریق برخی اشکال آزمون به همراه مشاهده دقیق و بررسی کار انجام شده آنان در کتاب و یا پوشه‌های تمرین به دست می‌آید. هدف اصلی از چنین مشاهده‌ها و آزمون‌ها، مشخص کردن آن دسته از کودکانی است که عملکرد خوبی ندارند و ممکن است به تمرین یا آموزش بیشتر نیاز داشته باشند. در صورتی که معلمان پیشرفت کودکان را به طور منظم بررسی نکنند ممکن است به موقع متوجه مشکلات یادگیری کودک نشوند و اگر مشکل یادگیری کودک به موقع شناسایی و درمان نگردد، این احتمال وجود دارد که بدتر شود.

گاهی اوقات حتی این مشکل نیز وجود دارد که معلم به طور مرتب کودکان را ارزیابی می‌کند اما این امکان برای او وجود ندارد که بتواند در فرصت‌های بعدی به کودکانی که مشکلات آنها مشخص شده است کمک کند. در طول سال‌ها، تلاش فراوان شده است که این اطمینان حاصل شود معلمان درک کنند «ارزیابی باید به عمل منجر شود» اما در حقیقت به دلیل کمبود وقت و منابع موجود در مدرسه این امر اتفاق نمی‌افتد.

روش تدریس به عنوان منبع مشکل

اصطلاح «روش تدریس» به شیوه مطرح کردن موضوعات جدید برای کودکان، درگیر کردن آنها با فعالیت‌های یادگیری مناسب و فراهم کردن بازخورد اصلاحی توسط معلم اشاره دارد. دامنه روش‌های تدریس از روش‌های رسمی (به‌عنوان مثال: مطرح کردن مستقیم موضوع و توضیح اطلاعات جدید و یا

نشان دادن یک مهارت جدید به کودکان) تا غیررسمی (به‌عنوان مثال: ایجاد موقعیت لازم به‌طوری‌که کودکان از طریق فعالیت‌های خودشان اطلاعات جدید را کشف کنند) متغیر است. هر درس به‌تنهایی و در هر موضوعی که باشد ممکن است شامل ترکیبی از تدریس مستقیم، فعالیت‌های دانش‌آموز با استفاده از مواد آموزشی، بحث گروهی، و بازخورد و جمع‌بندی مطلب توسط معلم باشد.

روش‌های تدریس معمولاً در گرایش به‌سوی «معلم-محوری» و همچنین «فراگیر-محوری» تأکید دارند. وجود موضوعات مختلف در برنامه آموزشی مستلزم به‌کارگیری روش‌های مختلف تدریس به‌منظور دستیابی به اهداف یادگیری در آن موضوع می‌باشد و معلمان با توجه به نوع مطلبی که آموزش می‌دهند، سن و سطح توانایی کودکان، تجربه قبلی و دانش آنان، زمان و منابع در دسترس، نیاز به انتخاب مناسب‌ترین روش تدریس دارند.

تا سال‌های اخیر، روش تدریس به‌ندرت به‌عنوان علت احتمالی مشکل یادگیری مورد بررسی قرار می‌گرفت. به‌نظر می‌رسد معلمان اینگونه می‌پندارند که اگر مطلبی آموزش داده می‌شود (که آموزش معمولاً به معنی توضیح دادن و نشان دادن است)، به‌طور خودکار توسط دانش‌آموزان نیز آموخته می‌شود و اگر آنان مطلب را یاد نمی‌گیرند، پس مشکل باید ناشی از کمبود توانایی‌های خود کودک، انگیزه و یا ثبات قدم وی باشد، نه اثربخشی روش تدریس.^۱ والدین نیز به‌سادگی بر این باورند که مشکل یادگیری کودک لزوماً به‌طور مستقیم به توانایی کودک و تلاش او برمی‌گردد نه به روش تدریس معلم. در هر صورت محققان حوزه آموزش و پرورش در حال حاضر تشخیص داده‌اند، مشکلات یادگیری زمانی به‌وجود می‌آیند که روش‌های نامناسب آموزشی به‌کار گرفته شوند. به‌طور کلی همه روش‌های تدریس به‌طور یکسان در دستیابی به اهداف خاص یادگیری مؤثر نیستند. اجازه دهید به بررسی روش تدریس

1. Nuthall, G. (2004). Relating classroom teaching to student learning: A critical analysis of why research has failed to bridge the theory-practice gap. *Harvard Education Review*, 74, 273-306.

روخوانی و حساب به عنوان نمونه‌هایی که ثابت شده است در آن برخی از روش‌های معمول تدریس نسبت به دیگر روش‌ها اثربخشی کمتری دارد، بپردازیم.

آموزش مستقیم در مقابل آموزش غیرمستقیم: موردی از یادگیری روخوانی

طی چند سال گذشته، گزارش‌های مهمی^۱ در انگلستان، ایالات متحده آمریکا و استرالیا منتشر شده‌اند که در آنها به شدت از روش آموزش مهارت‌های خواندن و نوشتن که در مدارس ابتدایی این کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد، انتقاد شده است. این گزارش‌ها به‌طور اساسی نشان دهنده این است که در طی دو دهه گذشته، آموزش مستقیم مهارت‌های آوایی که کودک خردسال را با به‌کارگیری توانایی تطبیق حرف با صدا قادر به خواندن و هجی کردن کلمات می‌کند، به‌طور جدی مورد غفلت قرار گرفته است و به‌جای آن معلمان طوری تربیت می‌شوند که به استفاده از یک روش عامه پسند به نام «رویکرد کل زبان» ترغیب می‌شوند که در این روش، تدریس مستقیم هجی کردن و مهارت‌های آوایی نفی شده است. معلمانی که روش رویکرد کل زبان را مورد استفاده قرار می‌دهند، معتقدند در صورتی که روزانه فرصت‌هایی برای مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های خواندن و نوشتن ایجاد شود و همچنین بازخورد مثبت از معلم دریافت کنند، بدون نیاز به استفاده از آموزش مستقیم، کودکان قادر خواهند بود چگونگی خواندن، نوشتن و هجی کردن کلمات را بیاموزند.

2-House of Commons Education and Skills Committee (Britain). (2005). *Teaching children to read*. London: TSO; National Reading Panel (US). (2000). *Teaching children to read: An evidencebased assessment of the scientific research literature on reading and its implications for reading instruction*. Washington, DC: National Institute of Child Health and Human Development; Rose, J.(2005). *Independent review of the teaching of early reading: Interim report*. London: Department for Education and Skills; Department of Education, Science and Training (Australia). (2005). *Teaching reading: National inquiry into the teaching of literacy*. Canberra: Australian Government Publishing Service.

به عبارت دیگر، این دسته از معلمان بر این باورند که یادگیری مهارت خواندن و نوشتن یک فرایند «طبیعی» است که لازمه رسیدن به آن این است که کودکان فراگیرانی فعال و دارای انگیزه فردی باشند تا بتوانند مسیر سوادآموزی خود را با حداقل راهنمایی از سوی معلم کشف نمایند. با این حال، شواهد نشان می‌دهند برخی از کودکان (به خصوص در مراحل ابتدایی) به سادگی قادر به کشف اصول اولیه خواندن و نوشتن در یک زبان الفبایی نمی‌باشند، مگر اینکه به‌طور شفاف و مستقیم آموزش داده شوند. در واقع فقدان آموزش مستقیم، علت اصلی مشکل خواندن در بسیاری از این کودکان است.

آموزش مستقیم در مقابل آموزش غیر مستقیم: ریاضیات

در سال‌های اخیر، جهت تدریس مهارت‌های کار با اعداد و حل مسأله ریاضی، استفاده از روش «کشف» یا «فعالیت» به‌جای آموزش مستقیم، ارجحیت دارد. به‌طور مثال تعلیم دادن فرآیندهای اولیه ریاضی و جدول ضرب به کودکان توسط معلمان، دیگر مرسوم نیست، چرا که ادعا می‌شود اگر کودکان هر روز به سادگی درگیر مهارت‌های حل مسأله شامل شمارش، اندازه‌گیری، مقایسه و محاسبه باشند، این مهارت‌ها را آسان‌تر یاد می‌گیرند. اما برخی از کودکان یا احتمالاً بسیاری از آنان از این رویکرد مبتنی بر فعالیت، بهره‌مند نمی‌شوند و به‌جای آن نیاز دارند که مهارت‌های پایه‌ای حساب را به‌طور مستقیم بیاموزند و سپس آنقدر تمرین کنند تا به آن تسلط پیدا کنند. بدیهی است برخی از کودکان مشکلات قابل توجهی در یادگیری ریاضیات دارند که این مسأله ناشی از این می‌شود که مفاهیم و مهارت‌های اساسی ریاضی را به روشی واضح و مؤثر نیاموخته و یا به اندازه کافی آن را تمرین نکرده‌اند. این مسأله با جزئیات بیشتری در فصل بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مشکلات مرتبط با یادگیری مبتنی بر اکتشاف و پرس و جو

با اینکه به کارگیری روش های فعال یادگیری مانند یادگیری اکتشافی و مبتنی بر پرس و جو اغلب در برانگیختن علاقه کودکان و حفظ توجه آنان بسیار مؤثر هستند، با این حال، بکارگیری این روش ها به خصوص هنگام مطرح کردن موضوع و مهارت جدید برای کودکان مؤثر واقع نمی شود. در واقع استفاده از روش آموزش مستقیم هنگام مطرح کردن مهارت یا اطلاعات جدید به کودکان بسیار مؤثرتر از این است که از آن ها انتظار داشته باشیم، خودشان از طریق آزمون و خطا موضوع یا مهارت جدید را کشف کنند. در حال حاضر این باور وجود دارد که حتی در موضوعاتی مانند علوم که در آن اکتشاف و پرسش گری به شدت ترویج شده است نیز استفاده از روش آموزش مستقیم اغلب بسیار مؤثرتر می باشد.^۱

به طور کلی آموزش اطلاعات یا مهارت های جدید به کودکان نیاز به شرایط خاص برای یادگیری دارد و استفاده از روش های اکتشافی و فعالیت های پرسش جویانه در مراحل بعدی یادگیری می تواند بسیار ارزشمندتر باشد. متأسفانه روش ها و شرایط ذکر شده، معمولاً در مدارس به کار گرفته نمی شوند. در صورتی که شرایط یادگیری فاقد ساختار و اصول باشد می تواند منجر به بروز مشکلات یادگیری شود. آن دسته از کودکانی که به توانایی های خودشان اعتماد ندارند و آنهایی که ممکن است در خواندن و نوشتن، حساب و مهارت های مطالعه ضعیف باشند، در شرایط یادگیری فاقد ساختار، گیج و سردرگم می شوند. ممکن است اینگونه به نظر برسد که این کودکان، درگیر یادگیری هستند اما در واقع بسیار کم یاد می گیرند و خیلی کم نیز مطالب را به خاطر می آورند.

1-See Adelson, R. (2004). Instruction versus exploration in science learning. *Monitor on Psychology*, 35, 6. Online at: <http://www.apa.org/monitor/jun04/instruct.html>

سایر مشکلات مرتبط با تدریس

عوامل ذکر شده زیر نیز از جمله سایر علل مرتبط با تدریس می‌باشند که می‌توانند باعث ایجاد مشکلات یادگیری و یا تشدید آن شوند:

- ممکن است معلم هنگام توضیح دادن، آموزش یا سؤال کردن از زبانی که بیش از حد پیچیده است استفاده کند. بنابراین در صورتی که کودکان متوجه صحبت‌های معلم نشوند، یاد می‌گیرند به سخنان معلم گوش نسیارند و در نتیجه این امر باعث ایجاد مشکلاتی در یادگیری می‌شود. هر چقدر معلمان تجربه بیشتری داشته باشند معمولاً مهارت آنان در برقراری ارتباط مؤثر در کلاس درس نیز بیشتر می‌شود.
- ممکن است کمبود مواد آموزشی مناسب (کتاب‌ها، نمودارها، برنامه‌های رایانه‌ای، نقشه‌ها، و غیره) وجود داشته باشد. به عنوان مثال تهیه کتاب‌های کافی و دیگر متون چاپی که از نظر درجه دشواری در سطح صحیح و متناسب باشند، می‌تواند تا حد زیادی فرصت‌های یادگیری کودکان را در زمینه‌هایی مانند پرورش مهارت خواندن و نوشتن افزایش دهند.^۱
- سنگین بودن برنامه آموزشی و یا وجود فشار به هر دلیل دیگر ممکن است موجب شود معلم درس‌ها را خیلی سریع پیش برده و زمان بسیار کمی را به تمرین آنها اختصاص دهد. همان‌طور که بعداً خواهید دید داشتن تمرین فراوان و موفقیت‌آمیز یکی از مطمئن‌ترین راه‌های یادگیری مؤثر در پرورش مهارت‌های ضروری است. در صورت وجود مشکلات یادگیری، انجام تمرین برای غلبه به این مشکلات نیز ضروری می‌باشد.
- شلوغ بودن کلاس و یا انجام فعالیت‌های مختلف به‌طور همزمان در یک کلاس گاهی اوقات تمرکز کردن را برای برخی از کودکان با مشکل همراه می‌سازد. استفاده از روش‌های فعال، خودبخود موجب بروز کمی حواس‌پرتی می‌شود که برخی کودکان نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند.

1. Tse, S. K., Lam, J. W., Lam R. Y. H., Loh, E. K. Y., & Westwood, P. S. (2007). Pedagogical correlates of reading comprehension in English and Chinese. *L1 Educational Studies in Language and Literature*, 7, 2, 71-91.

تمرین نشستن کودکان در گروه‌های کاری در اطراف میزها یکی از علل ایجاد کننده مشکلات یادگیری است که مرتبط با انجام فعالیت‌های کلاسی و به‌کارگیری روش‌های تعاملی در کلاس می‌باشد. چنین گروه‌بندی می‌تواند موجب ایجاد وضعیتی بسیار گیج کننده شود که در این شرایط، حضور در گروه و انجام تکلیف با توجه به فعالیت سایر اعضای گروه برای کودکان به‌طور فردی مشکل باشد.

علاوه بر این، فعالیت گروهی می‌تواند مدیریت کلاس درس را برای معلم با اشکال مواجه سازد. همچنین ممکن است نظارت خیلی دقیق بر فعالیت کودکان جهت شناسایی مشکلات فردی آنان نیز دشوار باشد و اگر مشکلات شناسایی نشوند هیچ حمایت اضافی برای کودکان مشکل‌دار صورت نمی‌گیرد و مشکلات روی هم انباشته می‌شوند. کارشناسان پیشنهاد می‌دهند که معلمان باید برای تعیین این مشکل، برای گروه‌ها و افراد دارای توانایی‌های متفاوت در کلاس، تکلیف را در سطوح مختلف تنظیم کنند. در حال حاضر مدارس به این عمل به عنوان «تدریس تطبیقی یا تفکیک شده» اشاره می‌کنند. در واقع ارائه تکلیف در سطوح متنوع در یک کلاس درس و به‌طور همزمان داشتن کیفیت بالای آموزشی و حمایت افراد برای معلمان کار آسانی نیست. هر چقدر کلاس بزرگ‌تر باشد، تفکیک مؤثر برنامه آموزشی نیز دشوارتر می‌شود. در حقیقت علی‌رغم تمام تبلیغات در جهت بکارگیری این روش در راهنمای برنامه آموزشی معلمان، برنامه ریزی، اجرا و تداوم به‌کارگیری روش تفکیک شده در برنامه آموزشی روزانه مدارس بسیار دشوار است.

منابع	کتاب‌های مفید درباره مشکلات یادگیری شامل:
	Bender, W. (2008). Learning disabilities: Characteristics, identification and teaching strategies (6 th ed.). Boston: Pearson – Allyn & Bacon.

Knight, B.A., & Scott, W. (2004). Learning difficulties: Multiple perspectives. Frenchs Forest, NSW: Pearson Educational Australia.

Westwood, P. (2004). Learning and learning difficulties. for Educational Research. Council Melbourne: Australian

اطلاعات عمومی درباره مشکلات یادگیری را می‌توان از آدرس‌های اینترنتی زیر بدست آورد:

<http://www.bupa.co.uk/members/asp/tng/parents/learning/>
http://www.dest.gov.au/sectors/school_education/publications_resources/other_publications/successful_programs_strategies_for_children.htm
<http://www.hellofriend.org/learning/difficulties>